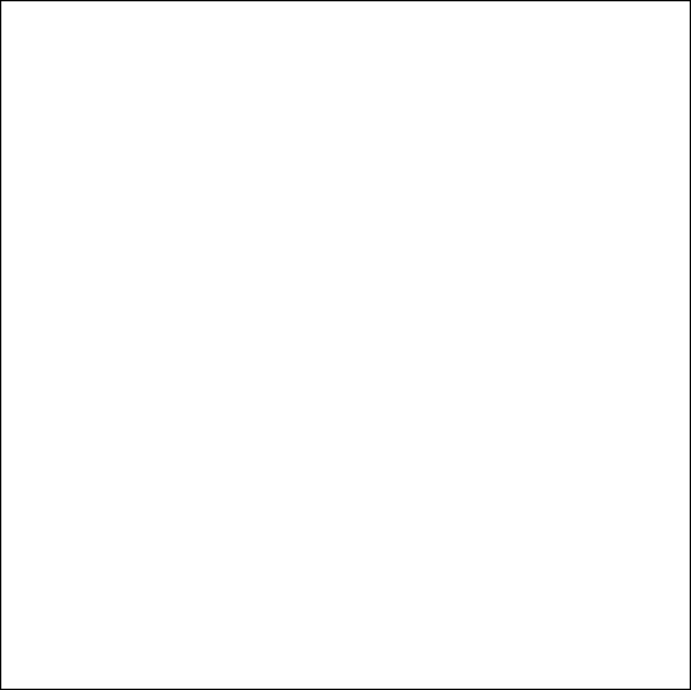


عذا جورني بترون از جانه

Eating out



✎ Espen Stranger-Johannessen
 Aakane
📄 Shir Ahmad Laiwal
🗨️ 2
🌐 / English [en] [prs] دري

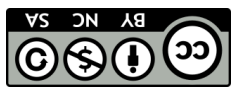


LIDA Stories

lidastories.net

عذا جورني بترون از جانه / Eating out

✎ Espen Stranger-Johannessen
 Aakane
📄 Shir Ahmad Laiwal (prs)



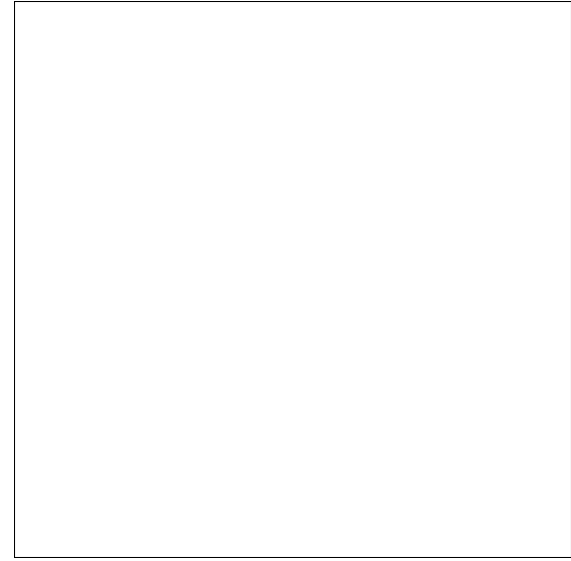
This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>



کیپ احساس به خوردن میگی را میکند

...

Kip feels like eating some noodles.



آنہ بل پیسہ را تحویل می کنند

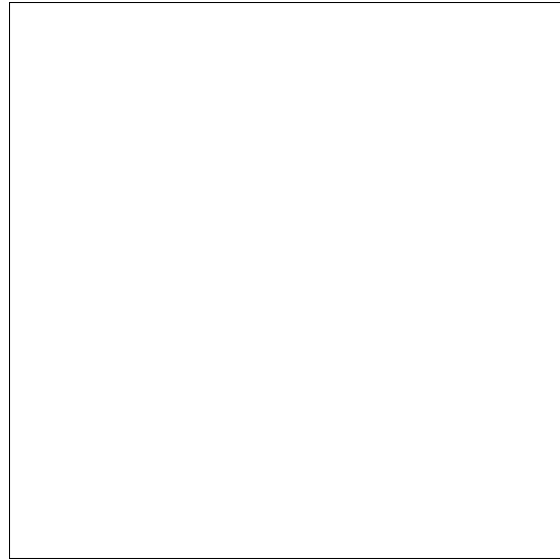
...

They pay the bill.

He drinks his water.

...

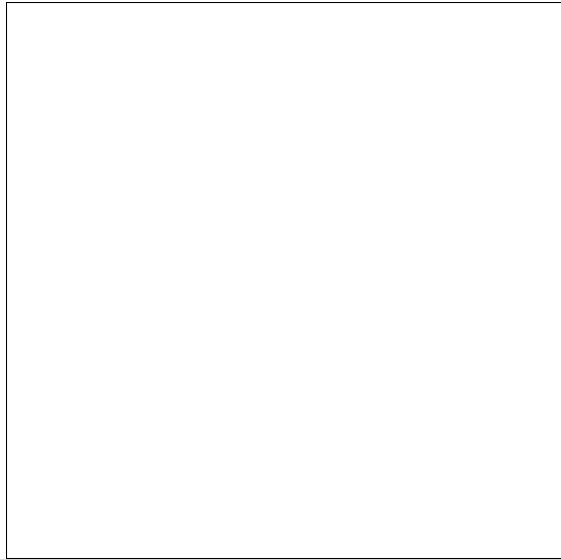
او آب خود را می نوشد



Kip asks a friend to join him.

...

کیپ از یک رفیق خود می خواهد همراهیش شود





آنها پشت یک جی خوراکی می گردند

...

They look for a place to eat.



کیپ و رفیق اش میگی را می خورند. میگی بسیر لذیذ است.

...

Kip and his friend eat the noodles. They are delicious.

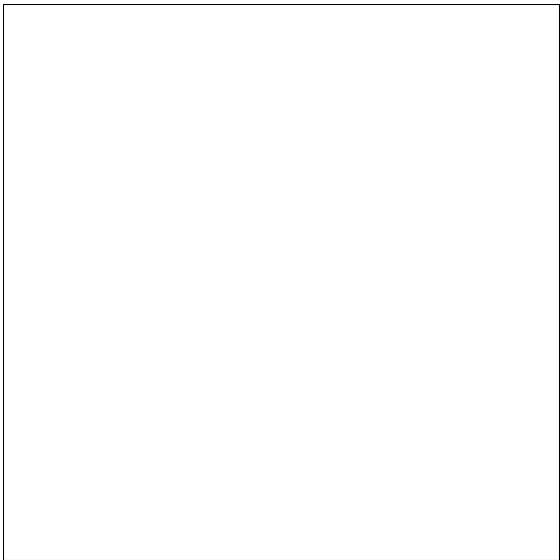
noodles.

They add sauce and salt, and stir the

...

شور میدهند.

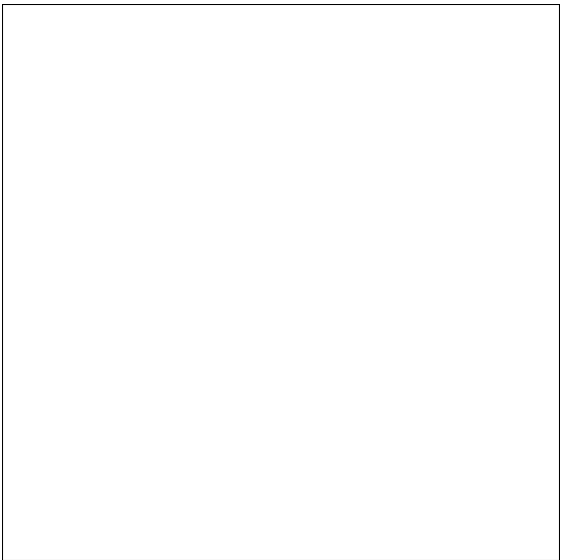
آنها در مِیگِ نمک و سرکه اضافه می کنند و میگی را

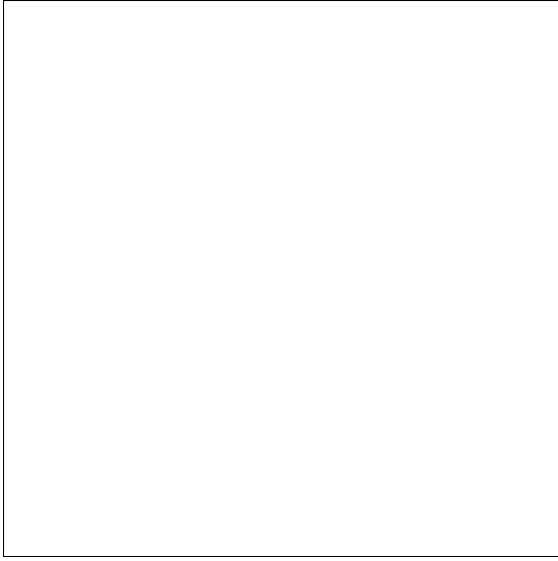


They find somewhere that sells noodles.

...

آنها جایی را پیدا می کنند که میگی می فروشند.

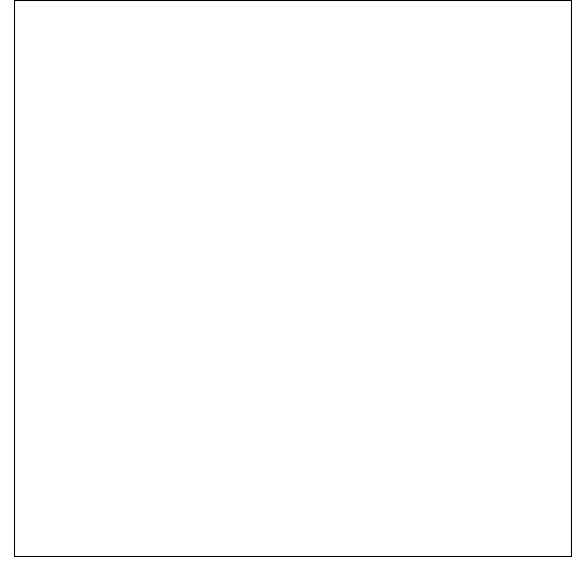




کیپ و دوستش یک میز خالی را پیدا می کنند

...

Kip and his friend find a table.



خدمتگر غذا را میبرد

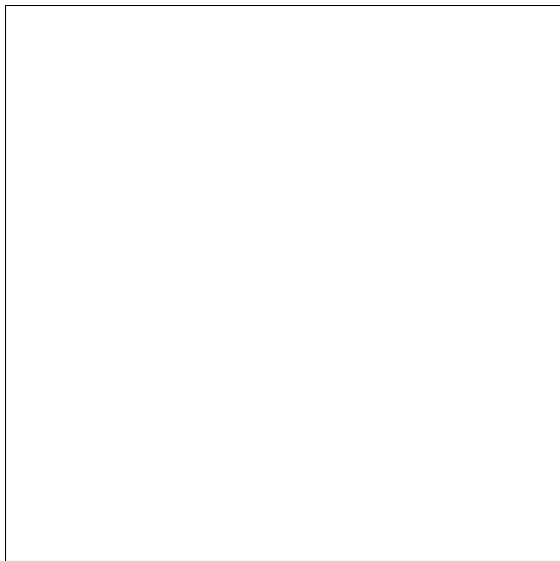
...

The waiter brings the food.

They each get a glass of water.

...

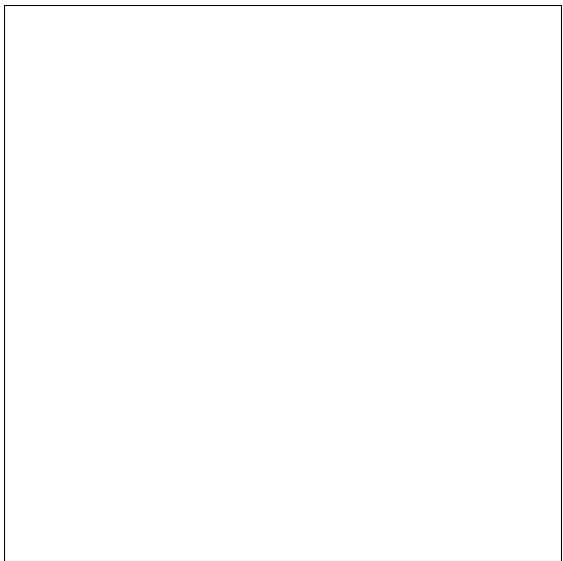
هر دوی اینها یک کُلاس آب می‌گیرند.

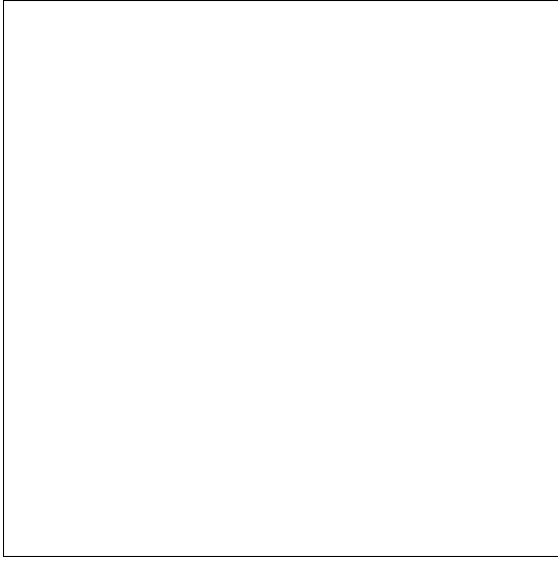


They sit down and call the waiter.

...

آنها می‌نشینند و خدمتکار را صدا می‌زنند.

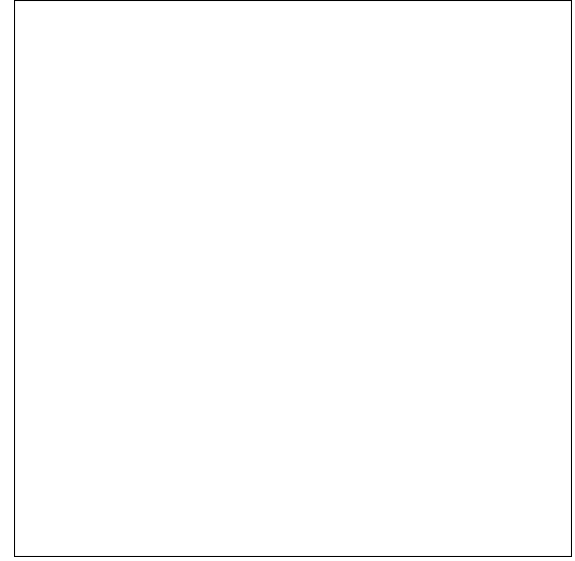




خدمتگر می آید. کپ اردر میگی را می کند

...

The waiter comes. Kip orders noodles.



رفیق او هم فردهیش میگی را می کند

...

His friend orders noodles too.